**جلسه بیست و دوم(۱/۹/۱۳۹۴)**

**مسأله نهم: الأقوی جواز البقاء علی تقلید المیِّت ، و لا یجوز تقلید المیِّت ابتداءً**

در این مسأله دو سوال طرح می­شود.

 سوال اول این است که آیا بقای بر تقلید میّت جایز است یا خیر؟

سوال دوم آیا تقلید ابتدای از میِّت جایز است؟

مرحوم سیِّد محمد کاظم طبا طبائی یزدی در عُروه الوثقی در جواب از سوال اول می­فرماید الاقوی جواز البقاء علی تقلید المیت.

 و در جواب سوال دوم می­فرماید تقلید ابتدای از میِّت جایز نیست.

از این عبارت سیِّد مشخص می­شود که تقلید دو فرد دارد

 **الف:**تقلید استمراری(بقای).

**ب:**تقلید ابتدای.

نسبت به تقلید استمراری( بقای) شش قول در مسأله است.

**قول اول:**[[1]](#footnote-1) مشهور فقها قائل به **عدم الجواز** هستند مُطلقاً ( در جمیع مسائل چه مسائلی که در حال حیاتِ مجتهد به آنها عمل کرده است وچه مسائلی که به آنها نکرده و مسائل مُستحدثه)

**قول دوم:**[[2]](#footnote-2) اکثر علمای اخباری و برخی از علمای اصولی قائل به **جواز البقاء** هستند مطلقاً( چه مسائلی که در حال حیاتِ مجتهد به آنها عمل کرده است و چه مسائل مستحدثه و آنهای که عمل نکرده است)

**قول سوم:[[3]](#footnote-3)**تفصیل بین ما عَمل بها و بین ما لَم یّعمل بها ( در مسائلی که حال حیات مجتهد به آنها عمل کرده است بقاء جایز است اما به مستحدثات و آنها ی که عمل نکرده است بقاء جایز نیست)

**قول چهارم:**[[4]](#footnote-4) تفصیل بین اعلمیَّت مجتهد میِّت از مجتهد حیّ و عدم اعلمیت میّت از حیّ است ( اگر میِّت اعلم از فقهای حاضر است در این صورت بقاء جایز است و الا جایز نیست )

**قول پنجم:**[[5]](#footnote-5) تفصیل بین فتوای مجتهدی که فتوای ایشان موافق احتیاط هست با مجتهدی که فتوای ایشان موافق احتیاط نیست ( اگر فتوای میت موافق احتیاط باشد بقاء جایز و الا فلا )

**قول ششم:**[[6]](#footnote-6) اگر مقلِّد فتوا های مجتهد میِّت را یاد گرفته است و همواره آنها را به یاد دارد در این صورت بقاء بر میِّت جایز است و الا جایز نیست.

کسانی که قائل به جواز بقاءِ برتقلید میِّت هستند برای اثبات ادعای خود مجموعاً چهار دلیل ذکر می­کنند.

**دلیل اول:** تمسک به اطلاقهای ادلّه لفظیه. ادلّه لفظیه دو دسته هستند.

**الف: آیات** **ب: روایات**

اما استدلال به آیات.

**الف:** آیه نفر[[7]](#footnote-7) : این آیه شریفه دلالت بر وجوب حذر از انذار مُنذِر فقیه دارد. یعنی اگر فقیه شما را انذار کرد بر شما واجب است انذار او را قبول کنید .. و این کلام مطلق است و شامل می­شود فقیه زنده و میِّت را.

شیخ انصاری در تبیین این دلیل می­فرماید اگر فرض شود مجتهدی در زمان حیاتش انذار کرد و مقلِّد نافرمانی نمود و به انذار او توجه نکرد اما بعد مرگ مجتهد مقلِّد به خود آمد و به انذار او عمل کرد سوال این است که آیا انذار صادق است یا خیر ؟ قطعاً صادق است و این تقلید، تقلید بدوی نیست بلکه تقلید بقای و استمراری است[[8]](#footnote-8).

**ب:** آیه سوال: این آیه شریفه دلالت دارد بر ارجاع به تقلید . قطعاً با مراجعه به کتابهای مجتهدین از دنیا رفته سوال صدق می­کند و در نتیجه قبول جواب هم واحب است.

**ج:** آیه کتمان: این آیه هم مطلق است و اظهار فتوا را واجب و کتمان آن را حرام می­داند که لازمه حرمت کتمان وجوب قبول است چه زنده باشد چه از دنیا رفته باشد[[9]](#footnote-9).

همانگونه که مشاهده می­کنید همگی این آیات مطلق می­باشند و جواز تقلید بر میت را می­رسانند.

اشکالاتی بر استدلال به این آیات شده است.

**اشکال اول:** آخوند در کفایه در بحث تقلید از میِّت می­فرماید این آیات در مقام اصل تشریع تقلید هستند. یعنی دلالت دارند بر اینکه اصل تقلید جایزاست به عنوان اینکه جاهل باید به عالم مراجعه کند اما هرگز نمی­رساند که رجوع جاهل به عالم آیا شامل کتاب های مجتهد از دنیا رفته هم می­شود یا خیر. در واقع این آیات نسبت به این مسأله لسان ندارند.

**نظر استاد:** به نظر ما این اشکال که آیات فقط در مقام بیان اصل تقلید هستند درست است.

**اشکال دوم:[[10]](#footnote-10)** آیت الله خوی می­فرماید عناوین در آیه عبارت اند از **انذار**، **اهل ذکر** ، **سوال** است و این عناوین مطلق نیستند بلکه فعلیه هستند یعنی صدق این عناوین بر متلبِّس بالفعل است و هرگز شامل من قضی عنه التلبُّس نمی­شود مثلا اگر گفته شود بر شما واجب است عالم را اکرام کنید . موضوع وجوب اکرام فعلیت است چراکه صدق قضایا به صدق موضوع فعلی آنها است و کذب آنها به عدم فعلیت موضوع است . لذا مُنذر فعلی اهل ذکر بالفعل جواز تقلید دارند

**اشکال استاد:** به نظر ما این کلام آیت الله خوی دو اشکال دارد.

**الف:** (جواب نقضی)ایشان را موضوع حجیَّت را فعلیَّت می­داند در حالی که این کلام نقض می­شود به خبر ثِقه . ما مراجعه می­کنیم به کتابهای عُلمای همچون شیخ حر عاملی و مرحوم کلینی و شیخ مفید و...که اخبار آنها با چند واسطه به ما رسیده است و خودشان در قید حیاه نیستند به اخبار رسیده از ایشان عمل می­کنیم.حال اگر موضوع حجیت فتوا فعلیَّت است پس چرا موضوع حجیَّت اخبار فعلیت نیست؟

**ب:** (جواب حلی) حکم بر دو قسم است **۱.** حکم اصولی مانند حجیَّه **۲.** حکم عملی فقهی.

آنچه موضوع حجیَّت اصولی را تشکیل می­دهد ثقه بودن خبر است چه با واسطه چه بی واسطه و لکن آنچه موضوع احکام شرعی را تشکیل می­دهد عمل است . حال سوال این است که آیا به فتوای فقیه عمل شد یا نشد ؟ آنجا که عمل شد عنوان انذار و اهل ذکر و اهل سوال محقق شد و بقاء بر میِّت در این جا مصداق ظهور آیه است یعنی من عمل به فهو مُنذر فهو متحذِّر کرده ام بله اگر عمل به فتوا نکرد صدق منذر نمی­شود .

بنا بر این نظر شیخ که فرمود صدق مُنذر می­کند باقی می­ماند که آن را در آینده توضیح خواهیم داد.

1. ۴۰- این قول مشهور فقها از جمله شیخ انصاری(ر) و از متأخرین مانند امام خمینی و سیِّد محمو شاهرودی می­باشد. [↑](#footnote-ref-1)
2. ۴۱- اکثر علمای اخباری و برخی علمای اصولی مانند مرحوم قمی در جامع الشِّتات و امام خمینی در تحریر الوسیله ج ۱ صفحه ۷ مسأله ۱۳ قائل به این نظریه است. [↑](#footnote-ref-2)
3. ۴۲- این نظریه از شیخ ابو الحسن اصفهانی در وسیله النجاه صفحه۳ است. [↑](#footnote-ref-3)
4. ۴۳- نظر آیت الله احدی و سیِّد حکیم در منهاج الصالحین ج ۱ صفحه۳ است. [↑](#footnote-ref-4)
5. ۴۴- مرحوم سیّغد قمی در حاشیه خود بر کتاب عُروه این نظریه را مطرح کرده است. [↑](#footnote-ref-5)
6. ۴۵- این مبنا از آیت الله خویی است که هم در حاشیه خود بر عُروه این نظر را مطرح کرده است هم در کتاب مسائل منتخبه صفحه ۶. [↑](#footnote-ref-6)
7. ۴۶- و ما کان المومنون لِینفروا کافهً فلولا نفر من کل فرقهٍ منهم طايفهٌ لِیتفقهوا فی الدِّین و لِیُنذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلهم یحذرون. ( توبه ۱۲۲) [↑](#footnote-ref-7)
8. ۴۷- مطارح الانذار جلد۲ صفحه. [↑](#footnote-ref-8)
9. ۴۸-بقره ۱۵۹ [↑](#footnote-ref-9)
10. ۴۹- این نظریه مربوط به آیت الله خوی در تنقیح جلد ۱ صفحه ۹۹-۱۰۰ [↑](#footnote-ref-10)